

تاریخ نقد جدید

(جلد چهارم)

نیمه دوم قرن نوزدهم

(بخش اول)

رنه ولك

ترجمه سعید ارباب شیرانی



انتشارات نیلوفر

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۱	فصل اول : نقد در فرانسه: رئالیستی، ناتورالیستی، امپرسیونیستی
۱۴	اونوره دو بالزاک
۱۸	گوستاو فلوبر
۲۷	گی دوموپاسان
۲۸	امیل زولا
۳۸	ژول لومتر
۴۲	آنا تول فرانس
۴۷	فصل دوم : ایپولیت تن
۸۵	فصل سوم : تاریخ ادبی فرانسه
۸۵	فردینان بروناتیر
۱۰۱	گوستاو لانسون
۱۱۳	فصل چهارم : منتقدان کهنتر فرانسوی
۱۱۳	ژول باری دُوزویی
۱۱۶	ادمون شرر
۱۲۱	امیل مونتگو
۱۲۴	پل بورژ
۱۲۷	امیل اینکن

۱۳۵	فصل پنجم : فرانچسکو دِسانکتیس
۱۶۹	فصل ششم : نقد در ایتالیا پس از دِسانکتیس
۱۸۹	فصل هفتم : نقد در انگلستان: مورخان و نظریه پردازان
۲۰۷	فصل هشتم : آرنولد و بَجت و استیون
۲۰۷	متیو آرنولد
۲۳۷	والتر بجت
۲۴۲	لزلی استیون
۲۴۹	فصل نهم : نقد در امریکا
۲۵۰	والت ویتمن
۲۶۰	جیمز راسل لوئل
۲۶۸	ویلیام دین هاوِلز
۲۷۷	فصل دهم : هنری جیمز
۳۰۵	کتاب شناسیها و یادداشتهای مؤلف
۳۹۳	فهرست آثار به ترتیب زمانی
۴۰۱	تعلیقات و توضیحات مترجم
۴۱۵	واژه نامه
۴۲۳	فهرست نامها
۴۳۵	فهرست عنوان کتابها و مقالات
۴۴۱	فهرست موضوعی

فصل اول

نقد در فرانسه: رئالیستی، ناتورالیستی، امپرسیونیستی

دو شعار عمده نیمه دوم قرن نوزدهم، رئالیسم و ناتورالیسم، از فرانسه برخاسته‌اند. از آنجا به همه کشورهای دیگر می‌روند، و هنوز هم در هیئت‌های گوناگون و با جرح و تعدیل‌هایی وجود دارند و در قالب «رئالیسم سوسیالیستی»^۱ کل سنت زیباشناسی برخاسته از دوران کهن را که فیلسوفان و منتقدان عصر رمانتیسم در صورت‌بندی تازه‌ای مطرح کردند به مبارزه می‌طلبند. (۱)

رئالیسم تعبیر فلسفی دیرپایی است که معنای آن اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها بود و در برابر مشرب اصالت وجود اسمی^۲ قرار داشت که پیروانش اندیشه‌ها را چیزی جز نام یا امر انتزاعی تلقی نمی‌کردند. در قرن هجدهم معنای رئالیسم تقریباً به کل معکوس شد. در ۱۷۹۵، شلینگ^۳ رئالیسم را، در برابر ایدئالیسم، «مسلم گرفتن وجود جز خود» تعریف می‌کند. (۲) ظاهراً شیلر^۴ و فریدریش شلگل^۵ نخستین کسانی بوده‌اند که این تعبیر را در مورد ادبیات به کار برده‌اند. در ۱۷۹۷، فریدریش شلگل، در دفتر یادداشتی که در آن زمان به چاپ نرسید، دربارهٔ رمان می‌گوید که «این نوع رئالیسم مبتنی بر طبیعت آن است» و از تیک^۶ به این سبب انتقاد می‌کند

۱. socialist realism ← «رئالیسم سوسیالیستی»، فرهنگنامهٔ ادبی فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۶۱۶-۶۱۸.

2. nominalism

۳. Friedrich Wilhelm Joseph Schelling (۱۷۷۵-۱۸۵۴). فیلسوف آلمانی.

۴. Friedrich Schiller (۱۷۵۹-۱۸۰۵). نمایشنامه‌نویس و شاعر و فیلسوف آلمانی ← جلد اول این تاریخ، ص ۲۹۴-۳۱۸.

۵. Friedrich Schlegel (۱۷۷۲-۱۸۲۹). منتقد و نظریه پرداز آلمانی ← فصل اول، جلد دوم این تاریخ.

۶. Ludwig Tieck (۱۷۷۳-۱۸۵۳). از منتقدان وابسته به مکتب رمانتیسم آلمان ← جلد دوم این تاریخ، ص ۱۱۳-۱۲۲.

کم مایه می‌آید، ولی در آن زمان نه تنها خصومت حامیان هنر سنتی را برانگیخت بلکه، با درونمایه‌های ساده برگرفته از زندگی روستاییان و مردم میانه حال، زنده و انقلابی می‌نمود. شافلوری^{۱۶} رمان نویس (نام مستعار ژول اوسون) با نوشتن مقالاتی که پس از ۱۸۵۰ به چاپ رسید و در ۱۸۵۷ در مجموعه‌ای با عنوان *رئالیسم*^{۱۷} منتشر شد، فعالترین حامی کوربه گردید. از کوربه در برابر این اتهام که موضوع نقاشیهایش را زشت تر از واقعیت نشان می‌دهد چنین دفاع می‌کند که «مردم میانه حال این چنین‌اند.» دوران پیروان مشرب وحدت وجود به سر آمده است. (۱۱) شافلوری رمان نویس طرفدار نوشتن رمان درباره زندگی در روستاست و حتی به پیشینه این امر در آثار آوترباخ^{۱۸} و گوتهل^{۱۹} استناد می‌کند. (۱۲) شافلوری در نظریه خود نه تنها از دقت در توصیف و علاقه مندی به طبقات پایین دفاع می‌کند، بلکه از جمله نخستین فرانسویانی است که مایل بودند «تا حد ممکن نویسنده را از کتابش دور کنند.» (۱۳) «کمال مطلوب رمان نویس بی‌چهره پروتوس^{۲۰}، انعطاف پذیر، دگرگون شونده، چند شکل بودن است، در آن واحد قربانی و دژخیم، قاضی و متهم، کسی که می‌داند چگونه به تناوب نقش کشیش، قاضی، شمشیر نظامی، گاوآهن دهقان، ساده لوحی مردم، بلاهت بورژواهای خرده پا را بازی کند.» (۱۴) اما شعار «رئالیسم» شافلوری را راضی نمی‌کرد، و در مقدمه کتابی با همین عنوان تقریباً آن را طرد کرده است. او از همه واژه‌هایی که به «ایسم» ختم می‌شدند بدش می‌آمد، زیرا، به قول خودش، جزیی از زبان فرانسه نیستند. «کلاسیسیسم» هم، با وجود تمام تلاشهای استاندال^{۲۱} جا نیفتاد. در «رمانتیسیم» هم با مکتبی گذرا سروکار داریم، البته اگر بتوان آن را مکتب دانست. و رئالیسم تعبیری است که «مشکل بتواند بیش از سی سال باقی بماند.» شافلوری می‌گوید که «مکتبها و پرچمها و نظامها را دوست ندارم.» (۱۵) کوربه بر سر در نمایشگاه ۱۸۵۵ آثار خود چنین نوشت: «رئالیسم: نمایش و فروش ۴۰ نقاشی و ۴ طرح» ولی در جزوه حاوی مشخصات آن آثار افزود که «عنوان "رئالیستی" به من تحمیل شده،

۱۶. Champfleury یا Fleury نام مستعار Jules Husson (۱۸۲۱-۱۸۸۹). رمان نویس و مورخ هنر و منتقد فرانسوی که شهرت خویش را بیشتر مدیون دفاعی است که از کوربه کرد.

17. Le Réalisme

۱۸. Berthold Auerbach (۱۸۱۲-۱۸۸۲). رمان نویس آلمانی، تصاویری که از زندگی در ناحیه جنگل سیاه ترسیم کرده مشهور است.

۱۹. Jeremias Gotthelf، نام مستعار Albert Bitzius (۱۷۹۷-۱۸۵۴). رمان نویس سویسی که در آثارش به ویژه زندگی روستاییان را توصیف کرده است.

۲۰. Proteus. در افسانه‌های یونانی، چوپان پیری که می‌توانست به هر شکلی که می‌خواست درآید. اگر کسی او را به جنگ می‌آورد می‌توانست از آینده خبردار شود.

۲۱. Stendhal نام مستعار Marie Henri Beyle (۱۷۸۳-۱۸۴۲). رمان نویس معروف فرانسوی ← فصل نهم از جلد دوم این تاریخ.

که در بند «مصلح، رئالیسم و فلسفه» نیست. (۳) شیلر در ۱۷۹۸ در نامه‌ای خطاب به گوته^۷ تأکید می‌کند که «رئالیسم نمی‌تواند شاعرساز باشد.» (۴) شلگل در ۱۸۰۰ طی گفته‌ای متناقض‌نما اظهار می‌دارد که «رئالیسم واقعی وجود ندارد مگر در شعر.» (۵) در دیگر آثار شلگل و شلینگ هم اظهارات مشابهی می‌توان یافت: جملگی به واقعیت بیرونی راجع‌اند، نه به دوره یا سبک یا مکتبی مشخص.

در فرانسه این واژه در ۱۸۲۶ ظاهر می‌شود. نویسنده‌ای در مرکور فرانسه^۸ تأکید می‌کند که «این آموزه ادبی را، که هر روز بیشتر جا می‌افتد و به تقلید صادقانه اصل پدیده‌هایی خواهد انجامید که طبیعت به ما عرضه می‌کند و نه شاهکارهای هنر، می‌توان رئالیسم نامید. بنابراین برخی شواهد، [رئالیسم] ادبیات قرن نوزدهم، ادبیات حقیقت خواهد بود.» (۶) پس از ۱۸۳۳، گوستاو پلانز^۹ آن را مرادف با دقت در توصیف به کار برد. او به «رئالیسم» جرج کرب^{۱۰} اشاره می‌کند و می‌گوید که رئالیسم نگران این است که «سپر حاوی علایم اشرافیت خانوادگی چه کسی بر بالای در قصر قرار گرفته، چه شعاری بر پرچم سواره نظام نقش بسته، و شهباز شیدای عشق پرچم چه کسی را حمل می‌کند.» (۷) ایبولیت فورتول^{۱۱} در ۱۸۳۴ درباره رمانی چنین گله می‌کند که «با رئالیسم اغراق آمیز مأخوذ از آقای هوگو نوشته شده است.» (۸) پس پیداست که در آن زمان رئالیسم به معنای عنصری است - دقت در توصیف جزئیات - مشهود در آثار نویسندگانی که امروزه رمانتیکشان می‌خوانیم.

در اواخر دهه ۱۸۴۰، این تعبیر به معنای توصیف جزئیات آداب و رفتار معاصر به کار رفته است: ایبولیت کاستیل^{۱۲} در ۱۸۴۶ بالزاک^{۱۳} را به یک «مکتب رئالیستی» منتسب می‌کند، (۹) و در همان سال، در کتابی درباره تاریخ نقاشی فلاندری و هلندی، آرسن اوسه^{۱۴} این واژه را به وجهی بارز به کار می‌برد. (۱۰) لکن تثبیت آن در حد تعبیری رایج منتج از هیاهویی است که نقاشیهای گوستاو کوربه^{۱۵} به پا کرد. امروزه این نقاشیها به نظر ما سنتی و

۷. Johann Wolfgang Von Goethe (۱۷۴۹ - ۱۸۳۲). شاعر و نمایشنامه‌نویس و منتقد نامدار آلمانی. ← فصل دهم، جلد اول این تاریخ.

8. Le Mercure français

۹. Gustave Planche (۱۸۰۸-۱۸۵۷). منتقد فرانسوی.

۱۰. George Crabbe (۱۷۵۴-۱۸۳۲). شاعر انگلیسی که برخی از شعرهایش، مانند دهکده (*The Village*)، واقع‌گرایانه است، ولی به طور کلی به دوران گذار از نوکلاسیسیسم به رمانتیسیم تعلق دارد.

۱۱. Hippolyte Fortoul (۱۸۱۱-۱۸۵۶). نویسنده فرانسوی که به وزارت تعلیمات عامه نیز رسید.

۱۲. Hippolyte Castille (۱۸۲۰-۱۸۸۶). داستان نویس و سیاستمدار و اقتصاددان فرانسوی.

۱۳. Honoré de Balzac ← همین فصل.

۱۴. Arsène Houssaye (۱۸۱۵-۱۸۹۶). ادیب فرانسوی.

۱۵. Gustave Courbet (۱۸۱۹-۱۸۷۷). از نقاشان برجسته مکتب رئالیستی در فرانسه.